

## حق معنوی در نظام کپی‌رایت؛ رهیافت نظری

محمدهادی میرشمسی<sup>۱</sup>

میلااد حامدی<sup>۲</sup>

### چکیده:

حق معنوی یکی از حقوق اعطایی به مؤلف در حقوق مالکیت ادبی و هنری است که به‌موجب آن، مؤلف می‌تواند اثر را متعلق به خود بداند، از تمامیت اثرش حفاظت کند و مانع تحریف یا تغییر در اثر خود شود. این حق برخلاف حق مادی که از منافع مالی مؤلف حمایت می‌کند، بر حمایت از شخصیت مؤلف تمرکز دارد. باور غالب این است که حق معنوی برای نخستین بار در کشورهای تابع نظام حق مؤلف مثل فرانسه و آلمان شناسایی شد، اما بررسی‌های تاریخی خلاف این باور را ثابت می‌کند. در نیمه دوم قرن هجدهم در جریان رسیدگی به دو دعوای مهم در بریتانیا، برای نخستین بار حق معنوی مورد بحث قرار گرفت و این حق در رویه قضایی این کشور به‌عنوان خاستگاه نظام کپی‌رایت به رسمیت شناخته شد. رویکرد کپی‌رایت به حق معنوی ناشی از عوامل تاریخی و فرهنگی و مبتنی بر مبنای انگیزشی و فایده‌گرایی است و با دیدگاه نظام حق مؤلف متفاوت است. در کشورهای تابع نظام کپی‌رایت، قبل از پیوستن به کنوانسیون برن، با استفاده از شیوه‌هایی چون جازدن و هتک‌شهرت و همچنین با استناد به مفاد قرارداد، از حق معنوی مؤلف حمایت می‌شد و حتی امروزه در شرایط پس‌از الحاق به این کنوانسیون و ضرورت حمایت از حق معنوی به‌موجب ماده ۶ مکرر آن، همین شیوه‌ها همچنان مورد استفاده دادگاه‌ها قرار می‌گیرد. در این نوشتار پیشینه و مبنای حق معنوی در نظام کپی‌رایت، عوامل اثرگذار بر این رویکرد و شیوه‌های حمایت از حق معنوی مؤلف بررسی می‌شود.

کلیدواژه: حق معنوی، نظام کپی‌رایت، مبنای شخصیت، مبنای فایده‌گرایی، نظام کامن‌لا

## مقدمه

حق معنوی، به حمایت از شخصیت مؤلف و تمامیت اثرش مرتبط است.<sup>۱</sup> به عبارتی حق معنوی حقی است مبتنی بر اصول حقوق طبیعی که برای تضمین تمامیت اثر مؤلف، علاوه بر حقوق مادی، به وی داده می‌شود.<sup>۲</sup> حق معنوی علاوه بر حق تمامیت اثر<sup>۳</sup>، حقوقی چون انتساب<sup>۴</sup>، حق افشا<sup>۵</sup> و حق عدول یا استرداد<sup>۶</sup> را نیز شامل می‌شود. در توضیح مفهوم این حقوق گفته می‌شود که پدیدآورنده، شخصیت خود را در اثر خویش نمایان می‌سازد. در هر اثری کمابیش رنگ‌وبوی شخصیت کسی که آن را خلق کرده است، احساس می‌شود و همین نکته موجب می‌شود که هر اثر با اثر دیگر، به تبع تفاوت در شخصیت پدیدآورنده آن‌ها، متفاوت باشد. هر پدیدآورنده مُهر شخصیت خود را بر روی آفریده خود می‌زند و از آن یک اثر اصیل می‌سازد.<sup>۷</sup>

عده‌ای در تعریف حق معنوی اظهار می‌دارند: مجموعه حقوقی است که صرفاً متکی به شخصیت صاحب حق بوده و بر فعالیت فکری او ناظر است، اثری که زاده و مولود اندیشه ادبی و علمی و یا نبوغ هنری پدیدآورنده است، آینه تمام‌نمایی از شخصیت اوست، لاجرم همان‌طور که خود انسان موضوع اصلی حمایت قانونی است، اثر او نیز که تابشی از شخصیت اوست، قابل حمایت است.<sup>۸</sup>

دو نظام عمده برای حمایت از آثار ادبی و هنری وجود دارند: نظام حق مؤلف<sup>۹</sup> و نظام کپی‌رایت<sup>۱۰</sup>. کپی‌رایت عمدتاً در کشورهای پیرو نظام کامن‌لا<sup>۱۱</sup> و نظام حق مؤلف غالباً در کشورهای پیرو حقوق نوشته (سیویل‌لا) طرفدار دارد. کپی‌رایت نظامی حقوقی است که در آن بر بهره‌برداری اقتصادی از آثار تمرکز می‌شود، برخلاف نظام حق مؤلف که بر شخصیت پدیدآورنده تأکید دارد. در نظام حق مؤلف، حق معنوی پدیدآورنده

۱. Sterling, J. A. L, World Copyright Law, first Edition, London, Sweet and Maxwell, 1999, p. 279

۲. Garner, Bryan, Black's Law Dictionary, eighth edition, USA, West a Thomson Business, ۲۰۰۴, p. ۱۰۳۰

۳. Right of integrity

۴. Right of attribution

۵. Right of divulgation

۶. Right of withdrawal

۷. زرکلام، ستار، حقوق مالکیت ادبی و هنری، چاپ ۲، تهران، سمت، ۱۳۸۸، ص ۱۰۸.

۸. آذری، کیوان، حق معنوی پدیدآورنده اثر، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ش ۲۲، ۱۳۶۰، ص ۲.

۹. Author's Right System (Droit d'auteur)

۱۰. Copyright System

۱۱. کامن‌لا نظام حقوقی است که در انگلستان پس از غلبه نورمان‌ها بر این کشور در سال ۱۰۶۶، به‌طور عمده در نتیجه فعالیت دادگاه‌های شاهی ساخته شده است. خانواده کامن‌لا علاوه بر حقوق انگلیس که منشأ آن بوده است، حقوق سایر کشورهای انگلیسی‌زبان را با پاره‌ای از استثنائات دربرمی‌گیرد. (داوید، رنه، نظام‌های بزرگ حقوقی معاصر، ترجمه سیدحسین صفایی، محمد آشوری و عزت‌اله عراقی، چاپ ۳، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۵، ص ۳۰۳).

از اهمیت بالایی برخوردار است. در واقع، نظام حق مؤلف، شخصیت گراست و اثر با شخصیت پدیدآورنده رابطه تنگاتنگ دارد.<sup>۱</sup> اما بنیاد فلسفی نظام کپی‌رایت، فایده‌گرایی است؛ به این معنا که هدف کپی‌رایت تشویق به تولید بیشتر آثار خلاقانه با پایین‌ترین قیمت ممکن است<sup>۲</sup> و به شخصیت مؤلف کم‌تر توجه می‌شود. یکی از عمده تفاوت‌های این دو نظام، نگاه آن‌ها به حق معنوی است.

سرآغاز نظام کپی‌رایت در کامن‌لا به تأسیس اولین بنگاه چاپ توسط کاکستون<sup>۳</sup> در انگلیس (سال ۱۴۷۶) و اقدامات پادشاهی انگلیس برای تحت‌کنترل درآوردن فناوری جدید چاپ، می‌رسد.<sup>۴</sup> دو انگیزه در این اقدام برای پادشاهی انگلیس متصور بود: (۱) انگیزه سیاسی: سرکوب کردن اندیشه‌های مخالف که از طریق نسخه‌های ارزان و در دسترس به بیان عقاید می‌پرداختند. (۲) انگیزه اقتصادی: با اعطای حق انحصاری انتشار کتب به کسانی که مایل به پرداخت پول بودند، پادشاهی در موقعیتی قرار می‌گرفت که از بازار رو به رشد آثار ادبی بهره‌مند می‌شد.<sup>۵</sup>

سؤال این پژوهش به رویکرد نظام کپی‌رایت به حق معنوی و شیوه حمایت از این حق در این نظام اختصاص دارد. بررسی سیر تاریخی حق معنوی در کپی‌رایت و توجه به عوامل مؤثر در شکل‌گیری یا تغییرات این حق، ما را در تحلیل موضوع و رسیدن به پاسخ پرسش تحقیق کمک می‌کند. مطالب این مقاله در دو گفتار ارائه می‌شود. در گفتار نخست، ابتدا سیر تاریخی این حق در نظام کپی‌رایت و در ادامه، عوامل اثرگذار در شکل‌گیری این حق مطرح می‌شود. در گفتار دوم مبانی حق معنوی در کپی‌رایت و شیوه‌های حمایت از این حق، به ترتیب طی دو قسمت بررسی خواهد شد.

## ۱- حق معنوی در نظام کپی‌رایت؛ سیر تاریخی و عوامل اثرگذار

این گفتار به دو قسمت تقسیم می‌شود. قسمت نخست از سیر تاریخی حق معنوی بحث می‌کند و در قسمت دوم، عوامل اثرگذار بر رویکرد نظام کپی‌رایت به حق معنوی بررسی می‌شود.

### ۱-۱- سیر تاریخی

حق معنوی در نظام کپی‌رایت، اولین بار در سال ۱۷۶۹ در بریتانیا مطرح شد. علی‌رغم باور غالب که خاستگاه حق معنوی را نظام حق مؤلف و کشورهای تابع نظام حقوق نوشته می‌داند، بریتانیا شناختی

۱. زرکلام، ستار، پیشین، ص ۷.

۲. Goldstein, Paul, International Copyright: Principles, law and Practice, first edition, New York, Oxford University Press, 2001, p. 3.

۳. Caxton

ویلیام کاکستون تاجر، نویسنده، دیپلمات و ناشر انگلیسی متولد ۱۴۲۲ و اولین شخصی است که صنعت چاپ را به انگلستان آورد.

۴. Ibid, p. 5

۵. Ibid

زودهنگام از حق معنوی مؤلف داشته است و حتی نسبت به کشورهای مثل فرانسه و آلمان حق مذکور را زودتر شناسایی کرده است. این حق در فرانسه در سال ۱۹۵۷ وارد متن قانون شد، قبل از آن در قالب رویه قضایی حمایت می‌شد.<sup>۱</sup> قانون مالکیت فکری فرانسه مصوب ۱۹۵۷، اولین قانون جامعی است که بر هر دو جنبه مادی و معنوی حقوق پدیدآورندگان صراحتاً تأکید می‌کند.<sup>۲</sup> در آلمان نیز حق معنوی برای اولین بار در قانون کپی‌رایت سال ۱۹۶۵ پیش‌بینی شد.<sup>۳</sup>

قانون «آن»<sup>۴</sup> مصوب ۱۷۰۹، اولین قانون در عرصه حقوق مالکیت ادبی و هنری است. انگلستان را باید اولین کشوری دانست که به تدوین مقررات حمایتی از آثار ادبی و هنری پرداخته است.<sup>۵</sup> قبل از تصویب این قانون، انتشار اثر، امتیازی<sup>۶</sup> بود که به‌طور مستقیم از طرف حاکمیت به ناشران داده می‌شد. حاکمیت از این طریق نظارتی شدید بر چاپ آثار داشت (نظام سانسور). شناسایی حقوق مؤلف نسبت به آثار در این قانون، بیانگر تلاش چند دهه‌ای برای آزادی نشر در انگلستان بود. این فرایند در فرانسه نیز دنبال شده و در نهایت منجر به انقلاب فرانسه شد. شناخت حقوق مؤلف نسبت به آثار خود نتیجه نظریات متفکران بانفوذی مثل تئوری کار جان لاک و استدلالات جان میلتون برای آزادی نشر بود.<sup>۷</sup>

قانون «آن» انقلابی مفهومی در نظام کپی‌رایت انگلستان به وجود آورده و انحصار کمپانی استیشنرز<sup>۸</sup> در نشر آثار را از بین برد. اما به حق معنوی<sup>۹</sup> اشاره‌ای نکرده بود. به عقیده عده‌ای حداکثر چیزی که می‌توان از این قانون برداشت کرد، حق شخصی مؤلف بر کنترل انتشار اثر خود یا به‌طور ضمنی حق افشا می‌باشد.<sup>۱۰</sup> ظهور این قانون برای اعضای استیشنرز خوشحال‌کننده نبود، زیرا کنترل انحصاری این شرکت بر کتابهای موجود با محدود کردن حمایت کپی‌رایت به ۲۱ سال از میان رفت.<sup>۱۱</sup>

۱. Sundara Rajan, Mira T. , Moral Rights: Principles, Practice and New Technology, firsth edition, New York, Oxford University Press, ۲۰۱۱, p. ۱۱

۲. زرکلام، ستار، پیشین، ص ۱۲-۱۳

۳. Aplin, Tanya, Moral Rights, PDF File, 2013, p. 4

۴ Anne Act

۵. زرکلام، ستار، پیشین، ص ۹

۶. Privilege

۷. Sundara Rajan, op. cit, p. 92

۸. Stationers' Company

۹. Moral right

۱۰. Ibid, p. 97

۱۱. دراهوس، پیتر، فلسفه مالکیت فکری، ترجمه محمود حکمت‌نیا و همکاران، چاپ ۱، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی،

اما بعد از تصویب این قانون، دو پرونده مهم در بریتانیا در سال‌های ۱۷۶۹ و ۱۷۷۴ مطرح شد که حق معنوی هم در این پرونده‌ها مورد بررسی قرار گرفت: پرونده میلر علیه تایلر<sup>۱</sup> در سال ۱۷۶۹ و پرونده دونالدسون علیه بکت<sup>۲</sup> در سال ۱۷۷۴ که هر دو مربوط به حق انتشار شعری بلند به اسم «فصل‌ها»<sup>۳</sup> سروده جیمز تامسون<sup>۴</sup> بودند.<sup>۵</sup>

#### ۱-۱-۱- پرونده میلر علیه تایلر

این پرونده دو پرسش را به وجود آورد: آیا نویسنده در نظام کامن‌لا، حق تکثیر (کپی‌رایت) داشته است؟ اگر چنین است، آیا این حق کامن‌لایی به وسیله قانون «آن» از میان رفته است؟<sup>۶</sup>

#### ۱-۱-۱- الف - توضیح پرونده

اندرو میلر در سال ۱۷۲۹ کپی‌رایت شعر «فصل‌ها» را از مؤلف آن (تامسون)، به مبلغ ۲۴۲ پوند خرید. پس از انتشار نسخه‌هایی از این شعر در سال ۱۷۶۳ توسط رابرت تایلر، میلر تقاضای جبران خسارت کرد. به گفته تایلر، حقوق موضوعه این شعر مطابق قانون «آن» در سال ۱۷۵۷ منقضی شده بود. میلر برای موفقیت در طرح دعوا باید ثابت می‌کرد که کپی‌رایت کامن‌لایی<sup>۷</sup> در اثر وجود دارد. به عبارتی تنها امید موفقیت میلر این بود که وجود کپی‌رایت کامن‌لایی را اثبات کند. بعد از مباحث طولانی، شعبه دادگاه شاهی<sup>۸</sup> با اکثریت ۳ به ۱ به نفع کپی‌رایت کامن‌لایی حکم داد. اندکی بعد از صدور این حکم، موضع کپی‌رایت کامن‌لایی مجدداً توسط مجلس اعیان<sup>۹</sup> در پرونده دونالدسون علیه بکت بررسی شد.<sup>۱۰</sup>

چندین خط فکری در استدلال توجیهی قضاتی که به نفع کپی‌رایت مستند به کامن‌لا حکم کردند، دنبال شد. منسفیلد قاضی دادگاه عالی پس از این استدلال که منبع این حق نویسنده چه قبل و چه بعد از انتشار یکی است، ادعا می‌کند که مبنای حق در عدالت قرار دارد. عدالت این است که نویسنده باید از

۱. Millar v. Taylor

۲. Donaldson v. Beckett

۳. The Seasons

۴. James Thomson

۵. Sundara Rajan, op. cit, p. ۹۴

۶. دراهوس، پیتر، پیشین، ص ۱۲۹.

۷. Common law copyright

۸. The Court of King's Bench

۹. House of Lords

۱۰. Bently, Lionel & Sherman, Brad, The making of modern intellectual property law: The British Experience (1760-1911), Cambridge University Press, 1999, p. 13&14

منافع مالی کار و ابتکاراتش بهره‌مند شود و فرد دیگری نباید از نام نویسنده بدون رضایت او استفاده کند.<sup>۱</sup>

استیشنرز (که میلر نیز از اعضای آن بود) برای حفظ انحصار چاپ خود استدلال کرد که قانون «آن» به هیچ‌وجه حق مؤلف برای انتشار اثر را محدود نکرده و مؤلف حتی با تصویب این قانون نیز دارای حق تکثیر (کپی‌رایت) به صورت دائمی است. درحقیقت این شرکت به بهانه حمایت از مؤلف، منافع خود را دنبال می‌کرد؛ زیرا با به رسمیت شناختن کپی‌رایت مستند به کامن‌لا (کپی‌رایت دائمی) در کنار قانون موضوعه، حق مؤلف را دائمی اعلام می‌کرد تا بتواند به بهره‌برداری و انتشار آثار به‌طور نامحدود ادامه دهد.<sup>۲</sup> از دید این شرکت، از آنجاکه مؤلفان توانایی مالی زیادی برای چاپ و انتشار اثر خود نداشتند، لذا حق انتشار آثار را در قبال مبلغی به شرکت مذکور واگذار می‌کرد و در نتیجه با وجود کپی‌رایت کامن‌لا به‌طور دائمی از آن بهره می‌جستند. درواقع معرفی مؤلف توسط قانون، بُعد جدیدی به حق انتشار می‌داد، بدین معنا که حق انتشار را از انحصار استیشنرز درآورده و مؤلف را رقیب شرکت می‌کرد.

#### ۱-۱-۱-ب- نتایج پرونده

مهم‌ترین نتیجه و دستاورد پرونده میلر این است که حق معنوی برای اولین بار توسط قاضی منسفیلد شناسایی و به نظام کپی‌رایت معرفی شد.

استدلال استیشنرز در این پرونده پذیرفته شد و قاضی منسفیلد حضور مستمر حقوق طبیعی در کامن‌لا را علی‌رغم وجود قانون «آن» تأیید کرد. نگاه این قاضی نسبت به حقوق مؤلف پیچیده است. به عقیده ایشان عدم شناخت دائمی این حق منجر به نتایج زیان‌بار می‌شود. منسفیلد در ادامه استدلال‌اتش در مورد مشروعیت حقوق دائمی مؤلف و حقوق طبیعی او به حق معنوی استناد می‌کند. به عبارتی ایشان در فرآیند اثبات کپی‌رایت کامن‌لایی به حق معنوی هم اشاره کرد. از این جهت حق معنوی یکی از پیامدهای شناخت کپی‌رایت کامن‌لایی در نظام حقوقی بریتانیا شد. یکی از نویسندگان<sup>۳</sup> به وجود حق معنوی در دیدگاه منسفیلد اشاره می‌کند و نتیجه می‌گیرد که پرونده میلر حاکی از آن است که ایده حق معنوی مؤلف در حقوق انگلستان با شناخت کپی‌رایت کامن‌لایی ارتباط دارد. به عقیده ایشان، منسفیلد به‌طور ماهرانه‌ای حق معنوی را به رسمیت شناخت:

«کامن‌لا (کپی‌رایت کامن‌لایی) از چه منبعی نشئت می‌گیرد؟... اگر بعد از ورود اثر به بازار، این اثر با چاپ و کاغذ بدتر و با جلد ارزان‌تر فروخته شود، [مؤلف] نمی‌تواند نفع مالی کسب کند... او مسلط به استفاده از نام خود نیست. کنترلی بر صحیح بودن اثرش ندارد. نمی‌تواند از اضافات جلوگیری کند.

۱. دراهوس، پیتز، پیشین، ص ۱۲۹ و ۱۳۰

۲. Sundara Rajan, op. cit, p. ۹۵

۳. Lyman Ray Patterson

نمی‌تواند خطاها را درست کند. نمی‌تواند اصلاح کند یا ویرایش ناقص (اشتباه) را منع کند. هر شخصی می‌تواند چاپ کند، دزدی ادبی کند و دائماً نواقص را به ضرر مؤلف به کار گیرد. هر کسی می‌تواند احساساتی را که مؤلف از آن‌ها ناراضی است، پشیمان شده یا شرم دارد، به نام او منتشر کند. او نمی‌تواند هیچ نظری در رابطه با شیوه‌ای که اثرش منتشر می‌شود یا در رابطه با اشخاصی که آن را منتشر می‌کنند، داشته باشد»<sup>۱</sup>.

این پرونده بیانگر آن است که یک قاضی انگلیسی، حق معنوی را بیش از نیم‌قرن قبل از مطرح‌شدن جدی این حق در فرانسه به رسمیت شناخت، چراکه مفهوم حق معنوی در حقوق فرانسه در اوایل قرن ۱۹ میلادی بروز یافته است<sup>۲</sup>، پیش از آن که این حق جنبه قانونی به خود بگیرد، در قرن نوزدهم قاطعانه مورد تأیید دکترین و رویه قضایی قرار گرفت<sup>۳</sup>. با این حال دغدغه‌های عملی اعمال کپی‌رایت کامن‌لایی و تعارضش با قانون «آن» دلیلی برکنار گذاشتن مفهوم حق معنوی از حقوق بریتانیا بود؛ زیرا کپی‌رایت کامن‌لایی به دلیل دائمی کردن انحصار استیشنرز، خطری برای آزادی نشر محسوب می‌شد، امری که قانون «آن» می‌خواست از آن حمایت کند<sup>۴</sup>.

امکان دارد عده‌ای این اشکال را مطرح کنند که پذیرش حق معنوی توسط یک قاضی به‌منزله شناخت رسمی حق معنوی در نظام کپی‌رایت نیست. در پاسخ به این اشکال می‌توان گفت که حق معنوی در کشوری مثل فرانسه نیز ابتدا به‌طور غیررسمی و در قالب رویه قضایی در اوایل قرن ۱۹ مطرح شد و تا سال ۱۹۵۷ وارد قانون نشد. تدوین حق معنوی در قانون این کشور، یک قرن و نیم بعد از شناسایی حق مذکور در رویه قضایی انجام گرفت<sup>۵</sup>.

به عقیده پروفیسور جرالد دورکین، باور عمومی به‌ویژه در میان حقوق‌دانان سیویل لایی وجود دارد که مفهوم حق معنوی، مفهومی تقریباً جدید در نظام‌های کپی‌رایت موجود در کامن‌لا است و چنین نظام‌هایی به‌اجبار ماده ۶ مکرر کنوانسیون برن<sup>۶</sup>، دیدگاه اقتصادی به کپی‌رایتشان را با حق معنوی بیگانه تلفیق کرده‌اند. این دیدگاهی اغراق‌آمیز و تا حد زیادی نادرست است. در واقع چه ادعا شود که منسفیلد مؤسس

۱. Ibid, p. 97

۲. زرکلام، ستار، پیشین، ص ۱۰۷

۳. کلمبه، کلود، اصول بنیادین حقوق مؤلف و حقوق مجاور در جهان، ترجمه علیرضا محمدزاده‌وادقانی، چاپ ۲، تهران، میزان، ۱۳۹۰، ص ۷۸

۴. Sundara Rajan, op. cit, p. 99

۵. Ibid, p. 89

۶. ماده ۶ مکرر: (۱) مستقل از حقوق مالی مؤلف و حتی پس از انتقال این حقوق، مؤلف دارای حق انتساب اثر است و می‌تواند نسبت به هر گونه تحریف، حذف یا هر نوع تغییر اثر یا هر نوع لطمه‌ای نسبت به آن که موجب خدشه‌دار شدن اعتبار یا شهرت او شود، اعتراض کند.

حق معنوی است یا خیر، ایشان با قاطعیت کپی‌رایت را آمیزه‌ای از حقوق اقتصادی و شخصی<sup>۱</sup> در پرونده<sup>۲</sup> میلر علیه تایلر دانست.

#### ۱-۱-۲- پرونده دونالدسون علیه بکت

این پرونده از دو جهت با پرونده میلر شباهت دارد: ۱- آیا کپی‌رایت کامن‌لایی در نظام حقوقی انگلستان وجود دارد؟ ۲- موضوع این پرونده همان شعر «فصل‌ها» در پرونده میلر است.

#### ۱-۱-۲- الف- توضیح پرونده

دونالدسون نسخه‌هایی از شعر «فصل‌ها» را منتشر کرد. بکت، شخصی که کپی‌رایت این شعر را از میلر به ۵۰۵ پوند خریده بود، برای نقض کپی‌رایت علیه دونالدسون طرح دعوا کرد. در دفتر مهرداد سلطنتی<sup>۳</sup>، قاضی پرونده بر اساس پرونده<sup>۴</sup> میلر قرار منع انتشار صادر کرد، اما دونالدسون در مجلس اعیان علیه بکت شکایت کرد.

سؤال مطرح‌شده در پرونده دونالدسون این است که شناسایی کپی‌رایت کامن‌لایی (دائمی) چگونه بر نظام انتشاری که توسط قانون «آن» شناخته شده تأثیر می‌گذارد؟<sup>۵</sup> اگر کپی‌رایت کامن‌لایی به رسمیت شناخته می‌شد، هدف قانون «آن» برای شکستن انحصار کتاب‌فروشان و حمله به نظام سانسور از بین می‌رفت. زیرا استناد به حقوقی فراتر از این قانون به ناشران اجازه می‌داد ۱- به استفاده از حقوق انحصاری در آثاری که قبلاً چاپ شده است (آثار کلاسیک که جدیداً به عموم تعلق داشتند)، ادامه دهند و در نتیجه میراث ادبی انگلستان جزء دارایی کمپانی استیشنرز می‌شد و ۲- ادعای حق انتشار آثار جدید بعد از ۱۴ سال (دوره‌ای که توسط قانون «آن» وضع شده بود) را داشته‌باشند.<sup>۶</sup>

#### ۱-۱-۲- ب- نتایج پرونده

در پرونده دونالدسون، کپی‌رایت کامن‌لایی به دلیل خطر برای آزادی نشر و تبعاً حق معنوی هم به عنوان یکی از نتایج آن، رد شد و پس از آن بحث حق معنوی به صورت زودهنگام از حقوق ادبی و هنری این نظام کنار گذاشته شد و تا حدود ۲۰۰ سال بعد در بریتانیا مطرح نشد. در این مدت این کشور برای جبران نبود صریح حق معنوی در نظام حقوقی خود و این که نبود این حق به مؤلفان خسارت زیادی می‌زند، از

۱. Personal

۲. Dworkin, Gerald, The Moral Right of the Author, Moral Rights and the Common Law Countries, Columbia VLA Journal of Law & Arts, vol. 19, 1994-1995, p. 229-230

۳. Chancery

۴. Bently & Sherman, op. cit, p. 14

۵. Sundara Rajan, op. cit, p. 99

۶. Ibid, p. ۹۹-۱۰۰



منافع معنوی مؤلفان نه صراحتاً تحت عنوان «حق معنوی» بلکه تحت عناوینی مثل رقابت غیرمنصفانه<sup>۱</sup>، جازدن<sup>۲</sup>، هتک شهرت<sup>۳</sup> و قرارداد<sup>۴</sup> حمایت می‌کند.

### ۱-۲- عوامل اثرگذار بر رویکرد نظام کپی‌رایت به حق معنوی

نظام کپی‌رایت نسبت به نظام حق مؤلف رویکرد و نگرشی متفاوت به حق معنوی دارد. می‌توان دلایل رویکرد متفاوت این نظام به حق معنوی را با عوامل زیر تبیین کرد.

### ۱-۲-۱- عوامل فرهنگی و تاریخی

دلیل دیدگاه متفاوت بریتانیا و دیگر کشورهای پیرو نظام کپی‌رایت به حق معنوی بیشتر فرهنگی است تا حقوقی. زیرا مفهوم حق معنوی مفهومی انگلیسی نبوده، بلکه مفهومی فرانسوی است. در پرونده میلر علیه تایلر، قاضی منسفیلد هرچند برای اولین بار حق معنوی را معرفی کرد، اما مستقیماً عبارت «حق معنوی» را به کار نبرد و فقط به ذکر مصادیق آن بسنده کرد. به علاوه رد استدلال این قاضی در اثبات کپی‌رایت کامن‌لایی در پرونده دوم سبب شد حق معنوی تا سالیان متمادی در نظام حقوقی این کشور مطرح نشود.

عامل فرهنگی بدین معناست که شخصیت مؤلف با درجات مختلفی در نظام مالکیت ادبی و هنری انگلستان و فرانسه شناخته و مورد توجه قرار می‌گیرد. در نظام حقوقی فرانسه و کشورهای پیرو نظام حقوق نوشته، مؤلف از اهمیت بیشتری برخوردار است، اما در کشورهای پیرو نظام کامن‌لا، اثر و بهره‌برداری اقتصادی از آن جایگاه بالایی دارد. بنابراین عامل فرهنگی و به تبع آن فرهنگ حقوقی تأثیر به‌سزایی در نوع نگرش‌ها نسبت به حق معنوی دارد. مشکل ترجمه حق معنوی از فرانسه به انگلیسی فقط یک مشکل زبانی<sup>۵</sup> صرف نیست، بلکه نیازمند توجه به اصول حقوقی و فرهنگی از یک سنت حقوقی به سنت دیگر است.<sup>۶</sup> علاوه بر عامل فرهنگی، عامل تاریخی هم در تفاوت رویکردها اثرگذار بوده است. همان‌طور که در بحث پیشینه تاریخی حق معنوی گفته شد، مشکل پذیرش کپی‌رایت مستند به کامن‌لا فراتر از قانون «آن» که کپی‌رایت را مخلوق قانون موضوعه می‌دانست، عاملی برای کنار گذاشتن حق معنوی از نظام حقوقی بریتانیا و سایر کشورهای پیرو نظام کپی‌رایت شد. کشورهایی مانند ایالات متحده، استرالیا، نیوزلند و کانادا در واقع زمانی مستعمره بریتانیا بوده و به همین دلیل از سنت‌های حقوقی این کشور تبعیت کرده‌اند. البته در

۱. Unfair competition

۲. Passing off

۳. Defamation

۴. Contract

۵. Linguistic

۶. Ibid, p. 90

بین این کشورها، کانادا به این دلیل که سنت حقوقی فرانسه در این کشور نفوذ داشته است، زودتر (در سال ۱۹۳۱) حق معنوی را شناسایی کرد.<sup>۱</sup>

به عقیده عده‌ای بین نظام کپی‌رایت و حق معنوی ناسازگاری وجود دارد، اما این ناسازگاری ارتباط کمی با ساختار کامن‌لا دارد، بلکه برعکس انعطاف‌پذیری و عمل‌گرایی کامن‌لا بسیار شبیه به فرایند پذیرش حق معنوی در کشورهای اروپای قاره‌ای است. دلیل این ناسازگاری همان مشکل جذب کپی‌رایت کامن‌لائی در نظام حقوقی کشورهای کامن‌لا است.<sup>۲</sup> همین مطلب را می‌توان درباره ایالات متحده گفت که دادگاه عالی این کشور در پرونده ویتون علیه پیترز<sup>۳</sup> کپی‌رایت کامن‌لائی را لغو کرد.<sup>۴</sup> به عبارتی دیگر ناسازگاری بین حق معنوی و کشورهای کامن‌لا را نباید ناشی از ساختار کامن‌لا دانست. بلکه این حق با کپی‌رایت کامن‌لائی قابل جمع نبوده و بنابراین برای بریتانیا خطرناک است.

### ۱-۲-۲- عامل سیاست‌گذاری

بحث تعیین حدود حق معنوی و شناسایی یا محدودیت در شناسایی یا عدم شناسایی این حق اساساً با بحث سیاست‌گذاری<sup>۵</sup> ارتباط دارد. برای مثال منافع کشورها در تعیین حمایت از ارتباط بین اثر و نام مؤلف آن تعیین‌کننده گستره حق انتساب است. اگر هدف، حمایت از ارتباط بین مؤلف و اثر باشد، واضح است که جدا کردن نام مؤلف از اثرش نقض حق تلقی می‌شود؛ یعنی انتساب اثر مؤلف به شخص دیگر یا منتسب کردن اثر دیگری به مؤلف، نقض حق است.<sup>۶</sup> سیاست‌گذاری در حوزه حقوق مالکیت فکری و از جمله حق معنوی اهمیت زیادی دارد و موضوع حق معنوی ابتدائاً موضوعی مربوط به سیاست‌گذاری اجتماعی<sup>۷</sup> است<sup>۸</sup> و کشورها با توجه به منافع‌شان چگونگی حمایت از حق معنوی را تعیین می‌کنند. ایده حق معنوی بر این فرض استوار است که چون مؤلف اثری را آفریده و اثر تجلی‌دهنده شخصیت مؤلف است، ارتباطی<sup>۹</sup> بین مؤلف و اثر وجود دارد. توجیه حق معنوی آن‌چنان‌که در اروپای قاره‌ای جافتاده

۱. Dworkin, op. cit, p. 243

۲. Sundara Rajan, op. cit, p. ۸۹

۳. Wheaton v. Peters

۴. دراهوس، پیتر، پیشین، پاورقی صص ۱۳۸-۱۳۹.

۵. Policy-making

۶. Sundara Rajan, op. cit, p. 44

۷. Social policy

۸. Aplin, Tanya & Davis, Jennifer, Intellectual Property Law, second edition, New York, Oxford University Press, 2013, p. 149

۹. Relationship

از این مفهوم می‌آید که اثر حامل شخصیت مؤلف است، زیرا مؤلف در اثرش نفوذ می‌کند.<sup>۱</sup> این ایده در کشورهای سیویل لا مقبول است. اگرچه حق معنوی متعلق به پدیدآورنده است، اما اعمال این حق فراتر از منافع شخص مؤلف را دربرمی‌گیرد. به عبارتی حمایت از حق معنوی سود کلی برای جامعه به وجود می‌آورد. برای مثال، منفعت اجتماعی حق انتساب این است که از جامعه به دلیل حفاظت از صداقت تاریخی حمایت کرده و در این صورت، عموم نسبت به این امر که اثر متعلق به چه کسی است، گمراه نمی‌شوند. به عبارتی حق معنوی دربردارنده مسائل اساسی اجتماعی است و در واقع برای آینده فرهنگ انسانی مهم است.<sup>۲</sup>

در نظام حق مؤلف به طور کامل از دکتترین حق معنوی یعنی ارتباط بین پدیدآورنده و اثر تبعیت شده است، اما برای مثال در بریتانیا از تئوری ارتباط صرف بین مؤلف و اثر عدول شده است. نمونه آن لزوم اعلام<sup>۳</sup> حق انتساب در قانون کپی‌رایت، طرح‌ها و اختراعات<sup>۴</sup> بریتانیا است، یعنی تا زمانی که حق از جانب مؤلف اعلام نشود، نقض حق هم صورت نمی‌گیرد. این شرط با بند ۲ ماده ۵ کنوانسیون برن در تعارض کامل قرار دارد.<sup>۵</sup> به موجب این بند، برخورداری و اجرای این حقوق<sup>۶</sup> تابع هیچ تشریفات خاصی نیست. هدف اولیه حق معنوی از منظر نظام کپی‌رایت، حمایت از شهرت مؤلف است تا شخصیت او.<sup>۷</sup> برای مثال در مورد حق تمامیت اثر، این حق در صورتی نقض می‌شود که به شهرت مؤلف لطمه بخورد. چنین حقی در حقوق انگلیس به نوعی توسعه حقوق کامن لا محسوب می‌شود، زیرا از شهرت پدیدآورنده حمایت می‌کند، بدون این که نیاز باشد وجود شهرت یا حسن نیت پدیدآورنده اثبات شود.<sup>۸</sup> در کشورهای دارای نظام کپی‌رایت شرط لطمه به شهرت از شرایط تحقق نقض حق معنوی است، در حالی که این شرط در کشورهای پیرو نظام حق مؤلف وجود ندارد. در خصوص نحوه پیش‌بینی دو اصطلاح حیثیت و شهرت در ماده ۶ مکرر برن، یکی از حقوق دانان انگلیسی<sup>۹</sup> در واقع آن را نتیجه پیشنهاد کشورهای تابع کامن لا دانسته است. با این توضیح که در بازنگری کنوانسیون برن در سال ۱۹۲۸ هنگامی که پیش‌بینی حق معنوی

۱. Ginsburg, Jane, Moral rights in a common law system, Entertainment Law Review 121, 1990, p. 128-129

۲. Sundara Rajan, op. cit, p. 5-6

۳. Assertion

۴. Copyright, Designs and Patents Act 1988 (CDPA)

۵. Ibid, p. 103

۶. حقوق مذکور در کنوانسیون

۷. McCartney, Sheila, Moral Rights Under United Kingdom's Copyright, Designs and Patents Act of 1988, Columbia VLA Journal of Law & Arts, vol. 15, 1990-1991, p. 244

۸. زرکلام، ستار، پیشین، ص ۱۲۸

۹. Treiger-Bar-Am

مطرح بود، کشورهای حقوق نوشته برخوردار از سنت حق معنوی، استفاده از کلماتی نظیر «معنوی»، «اخلاقی»، «شخصی» و ارجاع به شخصیت پدیدآورنده را پیشنهاد می‌کردند، در حالی که به نظر کشورهای تابع کامن‌لا و در رأس آن‌ها انگلستان، این اصطلاحات در نظام حقوقی آن‌ها بسیار مبهم می‌نمود. در نتیجه عبارت «حیثیت و شهرت» مورد توافق قرار گرفت. با چنین عباراتی کشورهای کامن‌لا می‌توانستند از حق معنوی (تمامیت و حق سرپرستی) در قالب مقررات ناظر به افترا و تدلیس حمایت کنند، بدون آن‌که نیازی به وارد کردن مفاهیم جدید در حقوق داخلی وجود داشته باشد.<sup>۱</sup>

بحث مدت‌زمان حمایت از حق معنوی هم یکی از مباحث مربوط به عرصه سیاست‌گذاری است. در حالی که مدت حمایت از حق معنوی در تعدادی از کشورها دائمی است، در کشورهای دیگر مدت حمایت از این حق محدود به مدت حمایت از حقوق مادی است.

## ۲- حق معنوی در نظام کپی‌رایت؛ مبانی و شیوه‌های حمایت

این گفتار در دو قسمت ارائه می‌شود. در قسمت نخست مبانی حق معنوی در نظام کپی‌رایت مطرح می‌شود و قسمت دوم شیوه‌های حمایت از حق معنوی در این نظام را بررسی می‌کند.

### ۲-۱- مبانی حق معنوی در نظام کپی‌رایت

این قسمت در دو بند ارائه می‌شود. در بند نخست مبنای شخصیت و در بند دوم مبنای فایده‌گرایی مطرح می‌شود.<sup>۲</sup>

#### ۲-۱-۱- مبنای شخصیت

در این بند ابتدا به توضیح مبنای شخصیت و سپس آثار این مبنا پرداخته می‌شود.

#### ۲-۱-۱- الف- تبیین مبنای شخصیت

در نظریه شخصیت، مالکیت با شخصیت، بالندگی و شکوفایی فردی و مفاهیمی همچون آزادی و کرامت انسانی پیوند می‌خورد. داشتن نوعی کنترل بر اشیاء لازمه شخصیت انسان و به تعبیری «شخص بودن»

۱. همان، ص ۱۲۹.

۲. در مورد نحوه شناسایی حق معنوی می‌توان گفت شناسایی حقوق شخصی برای مؤلف، پیش‌شرطی برای شناسایی حق معنوی است. به عبارتی شناسایی حقوق مؤلف به‌عنوان حقوق شخصی (Individual Rights) و یا به‌عنوان منافع مبتنی بر مالکیت (Property-based Interests)، آثار متفاوتی دارد. حق معنوی به‌طور ضمنی از ایده حقوق شخصی استنباط می‌شود (Sundara Rajan, op. cit, p. ۵۳-۵۴)؛ یعنی چنانچه حقوق مؤلفان را در زمره حقوق شخصی بدانیم، اثبات حق معنوی راحت‌تر خواهد بود، تا زمانی که حقوق مؤلفان را همانند رویکرد کشورهای پیرو نظام کپی‌رایت، منافی بدانیم که از مالکیت اثر ادبی یا هنری ناشی می‌شود. یکی از نتایج اتخاذ مبانی متفاوت، تفاوت رویکرد نظام‌های کپی‌رایت و حق مؤلف به حق معنوی است. برای مطالعه بیشتر در مورد دو نظام حق مؤلف و کپی‌رایت ر.ک به میرشمسی، محمدهادی، همسویی رویکرد قانون‌گذاری ایران با مقررات بین‌المللی در حوزه حقوق مالکیت ادبی و هنری، فصلنامه علمی-پژوهشی حقوق پزشکی، ج ۱۰، ۱۳۹۵، ص ۸۲-۸۴.

تلقی می‌شود.<sup>۱</sup> مبنای دیدگاه شخصیت محور در مورد مالکیت چنین است که «فرد برای دستیابی به خودباوری درست برای شخص بودن نیاز دارد که بر منابعی در محیط خارجی نوعی کنترل داشته باشد. تضمین‌های ضروری این کنترل شکل حقوق مالکیت به خود می‌گیرد».<sup>۲</sup>

دیدگاه‌های متفاوتی برای مبنای شخصیت وجود دارد. هگل اراده فردی را هسته موجودیت فرد می‌داند که دائم در تکاپوی فعالیت و کارآمدی در جهان است. ایشان سلسله مراتبی در عناصر ساختار فکری فرد تصور می‌کند که اراده در بالاترین جایگاه نشسته است: «به تملک درآوردن اشیای خارجی، فعلیت‌بخشی به اراده انسانی و درواقع، بروز و تجلی آزادی فردی و جلوه‌ای از شخصیت اوست».<sup>۳</sup> کانت نیز مانند هگل، مالکیت و مالکیت فکری را با شخصیت انسان پیوند می‌زند، با این تفاوت که هگل مالکیت را عینیت یافتن شخصیت اما کانت آن را لازمه شخصیت می‌داند.<sup>۴</sup>

کاربرد نظریه شخصیت برای توجیه مالکیت فکری به‌ویژه حقوق پدیدآورندگان آثار ادبی و هنری سابقه‌ای طولانی دارد.<sup>۵</sup> نظام حق مؤلف نظامی شخصیت‌گراست و اثر با شخصیت پدیدآورنده رابطه تنگاتنگ دارد و در این دیدگاه، بر دسته مستقلی از حقوق موسوم به حقوق اخلاقی تأکید می‌شود.<sup>۶</sup>

## ۲-۱-۱-ب- آثار مبنای شخصیت

مهم‌ترین اثر مبنای شخصیت به‌خصوص بر اساس دیدگاه کانت، پذیرش حقوق اخلاقی یا معنوی در حوزه مالکیت ادبی است.<sup>۷</sup> پرواضح است کشورهای که این مبنا را در نظام مالکیت ادبی و هنری‌شان پذیرند، با ورود حق معنوی در نظام حقوقی‌شان خواه‌ناخواه مشکل خواهند داشت و لذا باید از طریق مبنای دیگر از حق معنوی حمایت کنند. اگر هم حق معنوی را در قانون به تصویب برسانند، شاید نتوانند از حق معنوی آن‌گونه که در نظام‌های حق مؤلف مرسوم است، حمایت کنند.

هگل برای امور فکری ماهیت دوگانه قائل است، یعنی حق معنوی و مادی را دو چیز جدا از هم می‌داند. او نسبت به کانت موضوع حق معنوی را گسترده‌تر می‌پندارد و فقط پدیده‌های بیانی را موضوع حق نمی‌داند. نظریه دوگانگی<sup>۸</sup> از نتایج نظریه هگل است که در فرانسه مقبولیت یافته، اما کانت قائل به وحدت

۱. حبیبی مجنده، محمد، حقوق مالکیت فکری و حقوق بشر؛ تعامل‌ها و تعارض‌ها، چاپ ۱، قم، دانشگاه مفید، ۱۳۹۴، ص ۹۶.

۲. همان، ص ۹۶.

۳. همان، ص ۹۶.

۴. حکمت‌نیا، محمود، مبنای مالکیت فکری، چاپ ۲، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۷، ص ۲۹۸.

۵. حبیبی مجنده، محمد، پیشین، ص ۹۷.

۶. همان، ص ۶۲.

۷. همان، ص ۳۱۲.

حقوق اقتصادی و اخلاقی است. نظریه یگانگی<sup>۱</sup> از نتایج نظریه کانت بوده که در آلمان قبول شده است. اثر دیگر مبنای شخصیت، تبعی بودن حقوق اقتصادی است. بنا بر تفسیری که از دیدگاه کانت می توان ارائه داد، حقوق اقتصادی اصالت ندارد و به حقوق اخلاقی برمی گردد. اما بر اساس دیدگاه هگل، در عین توجه به شخصیت می توان حق اقتصادی را جدا از حقوق اخلاقی تصویر کرد.<sup>۲</sup> مبنای شخصیت در معیار اصالت هم تأثیرگذار است. کشورهای متأثر از مبنای شخصیت مانند آلمان و فرانسه به شخصیت توجه کرده و اصالت را به شخصیت پیوند زده اند. در مقابل این دیدگاه، تفسیر اصالت در حوزه قضایی انگلستان به گونه دیگری است. دادگاه ها در انگلستان بیشتر به مهارت، داوری و کار توجه کرده اند.<sup>۳</sup>

### ۲-۱-۲- مبنای فایده گرایی

در این بند ابتدا به تبیین مبنای فایده گرایی می پردازیم و سپس آثار این مبنا بررسی می شود.

### ۲-۱-۲- الف- تبیین مبنای فایده گرایی

طرفداران اصالت نفع، به حقوق طبیعی اعتقاد ندارند و مالکیت را تنها مادامی به رسمیت می شناسند که اهداف منفعت طلبانه جامعه را پیش ببرد یا دارایی جامعه را به حداکثر برساند. در اندیشه سودانگاران، مالکیت تا جایی مشروع است که اهداف اجتماعی از دیاد سود و ثروت را ارتقا ببخشد.<sup>۴</sup> در اعطای مالکیت حتماً باید راهکارهایی که بیشترین توازن را میان دو مقوله صاحبان و منافع عمومی ایجاد می کند، اتخاذ شود. سودمندگرایان آمریکایی معتقدند که بند ۸ بخش ۸ اصل اول قانون اساسی آمریکا مبنای نظریه سودمندگرا قرار دارد؛ زیرا اعطای این اختیار را برای ترویج و توسعه علم و هنرهای مفید ذکر کرده است.<sup>۵</sup> بنیاد فلسفی نظام کپی رایت، فایده گرایی<sup>۶</sup> است: هدف کپی رایت تشویق به تولید بیشترین حد از آثار خلاقانه به پایین ترین قیمت ممکن است.<sup>۷</sup> نظریه فایده گرایی در کشورهای پیرو نظام کپی رایت که عمدتاً کامن لایی هستند طرفدار دارد. تئوری منفعت گرایی که آبشخور تاریخی کشورهای کامن لایی است، حق معنوی را مزاحم بهره برداری اقتصادی از آثار می داند.

بنابر قولی درست است، که کشورهای کامن لا از دیدگاه اصالت منفعت پیروی کرده اند، اما آن ها به اصول حقوق طبیعی، تفسیری کاربردی داده اند. مفهوم اقتصادی حقوق کپی رایت به دلیل اصول حقوق طبیعی

۱. Monism

۲. همان، ص ۳۱۹.

۳. همان، ص ۳۱۸.

۴. شیخی، مریم، اصول حقوق مالکیت فکری، چاپ ۱، تهران، میزان، ۱۳۹۴، ص ۱۱۳.

۵. همان، ص ۱۱۴.

۶. Utilitarian

۷. Goldstein, op. cit, p. 3

و نه مخالفت با آن در حقوق انگلستان مطرح شد. سیطره رویکرد اقتصادی بر کپی‌رایت، شیوه‌ای است که اصول مالکیت حقوق طبیعی با روش‌های عملی سازگار شدند تا پاسخ‌گوی تغییر شرایط فنی و اقتصادی باشند. حقوق انگلستان در واقع با پذیرش مفهوم اقتصادی کپی‌رایت، در صدد رد توجیه حقوق طبیعی درباره کپی‌رایت نبود، بلکه اصول حقوق طبیعی را گرفت و به آن‌ها تفسیری کاربردی داد؛ به گونه‌ای که نویسندگان برای کارشان پاداش بگیرند و دیگران اجازه داشته باشند حق طبیعی‌شان را در آزادی تجارت پیگیری کنند. این تفسیری بود که در نهایت با گسترش اقتصاد صنعتی نیمه دوم قرن هجدهم در انگلستان سازگار شد.<sup>۱</sup> البته چنانچه مبنای حقوق طبیعی (نظریه کار لاک) را هم بپذیریم، باز هم این نظریه در توجیه حق معنوی ناتوان است. نظریه کار در اثبات حق معنوی پدیدآورندگان ناتوان است و برای اثبات حق معنوی باید به دلایل دیگر استناد کرد.<sup>۲</sup>

از میان نظریه‌هایی که در مکتب فایده‌گرایی وجود دارد، نظریه انگیزه است که قانون «آن» و قانون کپی‌رایت آمریکا مصوب ۱۷۹۰ از این نظریه پیروی کرده‌اند. این نظریه به این دلیل در این جا ذکر می‌شود که در توجیه حق معنوی در کشورهای کاملاً کاربردی دارد. با اعطای حق معنوی، انگیزه مؤلفان در خلق آثار بیشتر زیاد می‌شود.<sup>۳</sup> بعد از توضیح نظریه انگیزه از منافع عمومی به عنوان یکی از مباحث حائز اهمیت در نظریه فایده‌گرایی که در توجیه حق معنوی کاربرد دارد بحث می‌شود.

## ۲-۱-۲- الف-۱- نظریه انگیزه از نظریه‌های مکتب فایده‌گرایی

استدلال به انگیزه در مالکیت ادبی سابقه طولانی دارد. در بعضی از قوانین به صراحت از نظریه انگیزه یاد شده است. مقدمه قانون کپی‌رایت انگلستان مصوب ۱۷۱۰ یکی از اهداف خود را تشویق عالمان به نوشتن کتاب‌های مفید می‌داند.<sup>۴</sup>

ممکن است این استدلال را هم در راستای منافع شخصی پدیدآورنده و هم در قالب منفعت عمومی بررسی کنیم، با این تفاوت که در استدلال نوع دوم یک واسطه پدید می‌آید، یعنی با حمایت از مالکیت فکری، انگیزه پدیدآورنده زیاد می‌شود و با کثرت اختراع و ابداع، منفعت حداکثری به عموم می‌رسد.<sup>۵</sup> در رابطه با حق معنوی هم همین استدلال قابل‌تعمیم و تسری است، با این توضیح که با حمایت از حق معنوی، انگیزه مؤلفان در تولید و خلق آثار بیشتر می‌شود؛ به عبارتی هراندازه که مؤلفان اطمینان بیشتری نسبت به این که شخص دیگری اثرشان را به نام خود چاپ نمی‌کند و در آن تحریف به عمل نمی‌آورد،

۱. دراهوس، پیتز، پیشین، ص ۱۳۹ و ۱۴۰

۲. حکمت‌نیا، پیشین، ص ۲۳۴

۳. نظریات گوناگون دیگری هم وجود دارد که ملحق به نظریات سود محور است از جمله: الف) توجیه قرارداد اجتماعی. ب) نظریه نتیجه‌گرایی پوزنر. ج) نظام محرک جایگزین. (برای مطالعه بیشتر ر. ک به شیخی، مریم، پیشین، ص ۱۱۵)

۴. Sterling, op. cit, p. 63&65

۵. حکمت‌نیا، محمود، پیشین، ص ۲۶۳

داشته باشند، به خلق آثار بیشتر تشویق می‌شوند. ممکن است نظریه انگیزه را در قالب نظریه رفاه و منفعت عمومی هم به کار ببریم، با این بیان که ایجاد انگیزه برای پدیدآورندگان و انجام کارهای فکری در مجموع موجب رفاه عمومی می‌شود. ادوین‌سی‌هتینگر حاصل استدلال فایده‌گرایانه به سود مالکیت فکری را لزوم ایجاد انگیزه برای تولید آثار فکری ارزشمند اجتماعی می‌داند.<sup>۱</sup>

یکی از دلایل متقن برای حمایت از حق معنوی این است که حمایت از حق انتساب و حق تمامیت محیطی را ایجاد می‌کند که مؤلفان دست به خلق آثار می‌زنند. نویسنده‌ای که برای خلق اثرش از این جهت که اعتبار کسب کرده است، احساس امنیت می‌کند یا هنرمندی که بر استناد دائمی مجسمه‌اش به نام خود تکیه می‌کند، چنین وضعیتی را برای فعالیت خلاقانه سودمندتر می‌بیند. اتخاذ حق معنوی این پیام را می‌رساند که جامعه به خلاقیت و ابتکار بها می‌دهد.<sup>۲</sup>

## ۲-۱-۲- الف-۲- منافع عمومی

یکی از اثرات مکتب فایده‌گرایی، تقدم منافع عمومی بر منافع فردی است.<sup>۳</sup> منافع عمومی به نوعی توجیه‌کننده حق معنوی در نظام کامن‌لا است، زیرا با حمایت از حق معنوی منافع عمومی هم تأمین می‌شود. به عبارتی با آن که هدف اصلی حقوق اخلاقی، حمایت از شخصیت پدیدآورنده است، این سنخ از حق، از دیدگاه منافع عمومی نیز قابل دفاع و توجیه است.<sup>۴</sup>

در نظام کامن‌لا، به دلیل نبود مبنای شخصیت، بحث چگونگی حمایت از منافع معنوی مؤلفان پیش می‌آید. مبنای شخصیت آن‌چنان که در نظام سیویل‌لا وجود دارد، با نظام کپی‌رایت بیگانه است، اما نه به این معنا که حق معنوی امری عجیب در نظام مالکیت فکری کشورهای کامن‌لا است، بلکه این حقوق باید از منظر اصطلاحات و واژگان نظام کپی‌رایت فهم شود. این واژگان و اصطلاحات از منظر قانون «آن»، منافع عمومی هستند. از اثر حمایت می‌شود؛ زیرا حمایت از اثر، مؤلفان را به خلق آثار تشویق می‌کند. هدف این قانون تشویق انسان دانشمند به نوشتن کتاب‌های مفید است.

کپی‌رایت محیطی مساعد برای خلق آثار فراهم می‌کند، به مؤلفان سود می‌رساند و در نتیجه حمایت از مؤلفان، میراث فرهنگی و علمی جامعه را بهبود می‌بخشد. به علاوه حق معنوی با این رویه جامعه‌محور<sup>۵</sup> تناسب دارد. اغلب گفته می‌شود که کپی‌رایت انگلو-ساکسون فقط مشتمل بر حقوق اقتصادی است. این گفته عموماً درست است، اما بدین معنا نیست که قوانین کپی‌رایت، در حمایت از حقوق شخصی غیرمادی ناتوان است. یکی از دلایل برای حمایت از حق معنوی، بحث منافع عمومی است که از پذیرش این حق

۱. همان، ص ۱۰۴

۲. Ginsburg, op. cit, p. 128-129

۳. حکمت‌نیا، محمود، پیشین، ص ۲۷۳

۴. حبیبی‌مجده، محمد، پیشین، ص ۱۸۷

۵. Socially-oriented scheme



ناشی می‌شود. برای مثال حق انتساب، منافع عمومی را بهبود می‌بخشد؛ زیرا کامل‌ترین آگاهی عمومی ممکن در مورد این که چه کسی خالق اثر است را فراهم می‌کند. عموم حداقل به همان اندازه که در شناخت منشأ یک محصول، نفع دارد، از شناخت پدیدآورنده یک اثر هم منتفع می‌شود. به علاوه از نگاهی متفاوت<sup>۱</sup> حق انتساب به جلوگیری از فریب عموم کمک می‌کند؛ زیرا از انتساب نادرست نام پدیدآورنده به اثری که آن را خلق نکرده یا نسبت به آثاری که نویسنده فقط مسئول خلق بخشی از آن است، جلوگیری می‌کند.<sup>۲</sup> چند نفع عمومی برجسته با حق معنوی تأمین شده و این حقوق ضامن حقیقت در بازاریابی<sup>۳</sup> است. این حقوق به عموم این اطمینان را می‌دهد که آثاری را که به نام پدیدآورنده خاصی می‌شناسند، در واقع محصول واقعی و اصیل اوست. به علاوه حق معنوی در حفاظت از فرهنگ جامعه نیز مؤثر است و ضبط و ثبت مستمر فرهنگ، نفعی عمومی است.<sup>۴</sup> در نقطه مقابل، حق معنوی در کشور فرانسه (به عنوان سردمدار کشورهای نظام حق مؤلف) تقریباً به طور کامل بر حقوق شخصی پدیدآورنده تمرکز کرده و برای اهمیت دادن به منافع عمومی در مقابل منافع مؤلف تلاش کمتری می‌کند.<sup>۵</sup>

## ۲-۱-۲-ب- آثار مبنای فایده‌گرایی

یکی از نتایج نظریه فایده‌گرایی، پذیرش کند حق معنوی در کشورهایی است که از مکتب اصالت منفعت متأثر هستند. اولین پرونده قضایی که در آن نظریه حقوق اخلاقی مطرح شد به سال ۱۹۷۶ مربوط است. این‌ها همه نشان می‌دهد که حق اخلاقی چندان با اصالت منفعت و با توجیه این که این حقوق موجب ایجاد انگیزه یا رفاه عمومی می‌شود، سازگار نیست.<sup>۶</sup> این نظر کاملاً درست نیست؛ زیرا حق معنوی انگیزه مؤلف در خلق آثار را بالا می‌برد (نظریه انگیزه) و منافع عمومی با حمایت از حق معنوی تأمین می‌شود. با این حال اگرچه نظریه انگیزه و منافع عمومی در توجیه حق معنوی در نظام کپی‌رایت مؤثر هستند، اما به حدی نیستند که بتوان آن‌ها را مبنای حق معنوی دانست، لذا کشورهای کامن‌لایی پیرو نظام کپی‌رایت در توجیه حق معنوی به مبانی و شیوه‌های جایگزین استناد کرده‌اند.

## ۲-۲- شیوه‌های حمایت از حق معنوی در نظام کپی‌رایت

در این که عناوینی مثل رقابت غیرمنصفانه، جازدن، هتک شهرت و قرارداد از رایج‌ترین مبانی و راه‌های حمایتی برای توجیه حق معنوی قبل از تصویب حق معنوی در کشورهای پیرو نظام کپی‌رایت بوده است

۱. Reverse side

منظور از بعد برعکس حق انتساب همان حق مقابله با انتساب خلاف واقع است.

۲. Ginsburg, op. cit, p. 129

۳. Truth-in-marketing

۴. همان، ص ۱۸۸

۵. Sundara Rajan, op. cit, p. 11

۶. حکمت‌نیا، محمود، پیشین، صص ۲۷۴-۲۷۵

تردید نیست و اکثریت حقوق دانان به این امر اذعان دارند<sup>۱</sup> و اکنون نیز در بعضی موارد دادگاهها به این مبانی در کنار حق معنوی موضوعه استناد می کنند.

## ۲-۲-۱- قرارداد<sup>۲</sup>

مؤلفان از طریق قرارداد ممکن است هر نوع حمایت لازمه را کسب کنند، اما این حمایت به میزان قدرت چانه زنی شخصی شان<sup>۳</sup> بستگی دارد. این راه حمایتی برای مؤلف تازه کار و بانگیزه ای که هنوز شهرتی برای خود کسب نکرده، مناسب نیست.<sup>۴</sup> بنابراین، با توجه به این که مؤلفان به خصوص مؤلفان تازه کار قدرت چانه زنی بالایی در تعیین مفاد قرارداد ندارند و بهره برداران و ناشران مفاد قرارداد را بر آنها تحمیل می کنند، ناکارآمدی این راه حل آشکار می شود.

در پرونده فریسیبی علیه بی بی سی<sup>۵</sup>، نویسنده نمایش نامه طبق قرارداد قادر بود نسبت به حذف قسمتی از اثر که به زعم او اساسی تلقی می شد، شکایت کند. قرارداد بین بی بی سی و انجمن نمایش نامه نویسان مبتنی بر شرطی بود که می گفت بی بی سی نباید بدون رضایت نویسنده در متن نمایش نامه تغییرات ساختاری و اساسی بدهد. فریسیبی به بی بی سی لیسانس انحصاری مبنی بر ایجاد اثر تلویزیونی داده و این لیسانس به قرارداد جمعی<sup>۶</sup> (قرارداد بین بی بی سی و انجمن نمایش نامه نویسان) ارجاع می داد.

قاضی پرونده قرار منع<sup>۷</sup> تولید تلویزیونی نمایش نامه تغییر داده شده را صادر کرد؛ زیرا شروط قرارداد بین انجمن نمایش نامه نویسان و بی بی سی به عنوان شرط ضمنی در قرارداد لیسانس درج شده بود. ذکر این نکته مهم است که موفقیت فریسیبی در این پرونده به قدرت چانه زنی جمعی از طرف انجمن نمایش نامه نویسان وابسته بود تا شروط مذاکراتی فردی در قرارداد.<sup>۸</sup>

به نظر می رسد جبران خسارت ناشی از نقض قرارداد، از منظر مؤلف<sup>۳</sup> ضعف دارد: اولاً، مؤلف احتمالاً تا موقعی که شهرت بالایی کسب نکند، قدرت مذاکراتی اش ضعیف است. ثانیاً، حمایت از مؤلف فقط در مورد

۱. به منابع زیر مراجعه شود:

Cornish, William, Intellectual Property, patents, copyright, trademarks and allied rights, fourth Edition, London, Sweet and Maxwell, 1999, p. 445 - Colston, Catherine, Principles of Intellectual Property law, first edition, London, Cavendish Publishing, 1999, p. 259-261 - Aplin, op. cit, p. 36 - Rigamonti, Cyrill, Deconstructing Moral Rights, Harvard International Law Journal, Vol. 47, Number 2, 2006, p. 381

کلمبه، پیشین، ص ۷۶-۷۷، زرکلام، ستار، پیشین، ص ۱۲۶ و حکمت نیا، محمود، پیشین، ص ۳۳۳

۲. Contract

۳. Individual bargaining power

۴. Colston, op. cit, p. ۲۵۹

۵. Frisby v. BBC

۶. Collective agreement

۷. Injunction

۸. Ibid

همان قرارداد قابل اعمال است. این قرارداد از مؤلف علیه انتقال گیرندگان بعدی حمایت نمی کند. ثالثاً، در مورد قرارداد بین کارفرما و مستخدم (مؤلف)، این قرارداد سودی برای خود مؤلف ندارد.<sup>۱</sup>

## ۲-۲-۲- هتک شهرت<sup>۲</sup>

هتک شهرت به لحاظ ماهیت یک شبه جرم<sup>۳</sup> است و عبارت است از «انتشار اظهاراتی به منظور تنزل مقام شخص در نظر صاحبان اندیشه و جامعه».<sup>۴</sup> می توان از طریق این شبه جرم از حقوق و منافع معنوی مؤلفان حمایت به عمل آورد.

برای مثال در پرونده های *Moore v. News of the World* و *Humphreys v. Thomson* به این مبنا استناد شد.

در پرونده اولی، خانم مور معروف به دوروتی اسکوایرز<sup>۵</sup> بازیگر و خواننده با استناد به هتک شهرت کتبی<sup>۶</sup> تقاضای جبران خسارت کرد، به این دلیل که روزنامه مقاله ای را چاپ کرده بود و چنین القا می کرد که توسط خواهان نوشته شده است. هم چنین در این پرونده خواهان علاوه بر هتک شهرت، به بخش ۴۳ قانون ۱۹۵۶ در مورد مقابله با انتساب خلاف واقع هم استناد کرد. در پرونده دوم، نویسنده خواهان، مدعی هتک شهرت از طرف روزنامه ای شد که نام شخصیت های اثر او را مختصر و توضیحات را حذف کرده بود. این شبه جرم در حمایت از منافع معنوی مؤلفان محدودیت هایی دارد<sup>۷</sup> و تا زمان حیات پدیدآورنده اثر دارد.

۱. Ibid, p. 260

۲. Defamation

عده ای از حقوق دانان این واژه را «افترا» (ر.ک به زرکلام، پیشین، ص ۱۲۶)، عده ای آن را «توهین» (ر.ک به حکمت نیا، پیشین، ص ۳۳۳) و عده ای آن را «هتک حرمت» (ر.ک به اسپچ، جان. ام و اسپچ دوم، جان. ام، گزیده متون حقوقی حقوق جزای آمریکا، ترجمه امیر سماواتی پیروز، چاپ ۱، تهران، نگاه بینه، ۱۳۸۳، ص ۳۴۰ و کرزون، ال. ب و ریچارد، پ. اچ، فرهنگ حقوق (انگلیسی - فارسی)، ترجمه قدیر گل کاریان و همکاران، چاپ ۱ (ویرایش هفتم)، تهران، دانشیار، ۱۳۹۰، ص ۲۰۴) ترجمه کرده اند. به نظر می آید ترجمه بهتر و مناسب تر این واژه، «هتک حرمت یا شهرت» باشد و ترجمه این واژه به توهین و افترا درست به نظر نمی رسد؛ زیرا به لحاظ لغوی fame در زبان انگلیسی به معنای «شهرت» یا reputation است و defame به معنای از بین بردن و هتک شهرت است. به علاوه از آن جاکه هدف و کارکرد اصلی شبه جرم defamation حمایت از شهرت فرد است، استدلال فوق مبنی بر این که هتک حرمت و شهرت ترجمه مناسب تری است، تقویت می شود. از طرف دیگر از آن جاکه (۱) در کامن لا هدف حق معنوی حمایت از شهرت مؤلف است و (۲) طبق متن ماده ۶ مکرر که می گوید حق معنوی در صورتی نقض می شود که «منجر به لطمه به حیثیت و شهرت مؤلف شود» در نتیجه پیشنهاد و نفوذ کشورهای کامن لا وضع شده، این نتیجه حاصل می شود که defamation که یکی از مبانی حق معنوی در کامن لا است، بهتر است به هتک شهرت ترجمه شود.

۳. Tort

۴. کرزون، ال. ب و ریچارد، پ. اچ، پیشین.

۵. Dorothy Squiers

۶. Libel

۷. Ibid

## ۲-۲-۳- جازدن<sup>۱</sup>

جازدن نیز به لحاظ ماهیت شبه جرم است. تعریف جازدن از این قرار است: «عمل ارائه نادرست محصول خود به عنوان محصول شخص دیگر به منظور فریب دادن خریداران بالقوه».<sup>۲</sup> حسن شهرت تجاری<sup>۳</sup> یکی از ارکان این شبه جرم است؛ با این توضیح که خواهان برای اثبات ارتکاب این شبه جرم از طرف خواننده باید وجود حسن شهرت تجاری را اثبات کند. جازدن هم مانند هتک شهرت از شهرت فرد حمایت می کند. در این شبه جرم فرد کالای خود را به عنوان کالای شخص دیگر جا می زند. چنانچه شخصی اثری را به عنوان اثر شخص دیگری معرفی کند و مؤلف بتواند حسن شهرت تجاری خود را اثبات کند، می تواند به ارتکاب این شبه جرم استناد کند.

در پرونده Samuelson v. Producers Distributing نمایش نامه نویسی علیه صاحب فیلم به استناد ارتکاب این شبه جرم طرح دعوا کرد. خواهان به عنوان نمایش نامه نویس طرح نمایش نامه ای را با نام "The New Car" نوشته و به موفقیت چشمگیری دست یافت. خواننده فیلمی را با نام مشابه طرح خواهان با عنوان "His First Car" تولید و توزیع کرد که با طرح خواهان تفاوت زیادی داشت و در تبلیغات فیلم این گونه وانمود شد که فیلم برگرفته از اثر خواهان است.<sup>۴</sup> برخی مبانی گفته شده در بالا را مبانی و عناوین اخلاقی می دانند. به عقیده ایشان عناوینی مثل رقابت غیرمنصفانه و... دارای پایه های اخلاقی و مستقیم است و به عبارتی می توانند مستند حقوق اخلاقی واقع شوند.<sup>۵</sup> این عناوین شبه جرم هستند و عنوان اخلاقی نیستند.

## ۲-۲-۴- نقد شیوه های حمایت

در این بند ابتدا نظرات موافقان و در پایان نظرات مخالفان شیوه های حمایت بالا بررسی می شود.

## ۲-۲-۴-الف- نظرات موافقان

عده ای در مورد مبانی و شیوه های بالا نظرات مثبتی ارائه داده اند. از جمله مزایا، نبود محدودیت های بسیار شدید نسبت به اعمال و اجرای حق معنوی است. برای مثال، حق معنوی در قوانین کشورهای پیرو کپی رایت به شدت موضوع محدودیت ها و استثنائاتی قرار گرفته است. موافقان این مبانی معتقدند حمایت

۱. Passing off

۲. Garner, op. cit, p. 1155

۳. Goodwill

۴. McCartney, op. cit, p. 213

۵. حکمت نیا، محمود، پیشین، ص ۳۲۳ و ۳۳۳ و حکمت نیا، محمود، مروری بر حقوق اخلاقی مالکیت فکری و مبانی اعتبار آن، مجله فقه و حقوق، ش ۵، سال دوم ۱۳۸۴، ص ۵۴

از حق معنوی از طریق مبانی مذکور محدودیت‌های شدید مثل اعراض به‌طور گسترده یا شرط اعلام بر دارندگان اثر تحمیل نمی‌کند. به همین دلیل باوجود پیش‌بینی حق معنوی در قوانین، هنوز هم از این مبانی برای حمایت از حق و منافع معنوی مؤلفان استفاده می‌شود. از طرفی برای دارنده حق معنوی جبران خسارت از طریق طرح دعوی جازدن، آسان‌تر از طرح دعوی نقض حق معنوی است. هم‌چنین جای تردید است که آیا نقض یک حق اخلاقی و طرح دعوا، همواره جبران خسارت‌های مقتضی و مناسبی برای مالک این حق تضمین می‌کند؟<sup>۱</sup> به‌گفته ویلیام کرنیش، این مفاهیم با ادغام در چارچوب قوانین کپی‌رایت ناسازگارند، به‌ویژه این‌که فاقد قابلیت اعراض از قبل هستند، درحالی‌که حق معنوی در کشورهای پیرو نظام کپی‌رایت قابل اعراض است.<sup>۲</sup>

### ۲-۲-۴-ب- نظرات مخالفان

بنابر قولی طرح دعوی قرارداد، هتک‌شهرت و جازدن، حق مستقیم طرح دعوا برای مؤلفی که تمایل به حمایت از منافع معنوی موجود در اثر را دارد، فراهم نمی‌کند و این مبانی با متن ماده ۶ مکرر برن همخوانی ندارند.<sup>۳</sup> از دیگر انتقادات وارده به این مبانی این‌است که این مبانی تا مدت‌زمان حیات پدیدآورنده قابل حمایت است<sup>۴</sup> درحالی‌که حق معنوی در بعضی کشورها دائمی است و در بعضی کشورها حداقل تا مدت‌زمان حمایت حقوق مادی است.

درحال این مبانی و راه‌های حمایتی در نظام حقوقی کشورهای پیرو کپی‌رایت قبل از تصویب حق معنوی در متن قانون برای حمایت از مؤلفان استفاده می‌شده است و حتی درحال حاضر نیز در مواردی<sup>۵</sup> قضات این کشورها به این مبانی استناد می‌کنند.

مباحثی که در این مقاله مطرح شد ناظر به مباحث نظری حق معنوی و بررسی آن در نظام کپی‌رایت بود و به مباحث عملی و وضعیت حق معنوی در عمل در این نظام پرداخته نشد. جا دارد در مقاله‌ای دیگر بحث حق معنوی به‌لحاظ عملی در نظام‌های کپی‌رایت مورد بحث و بررسی قرار بگیرد.

۱. شیخی، مریم، پیشین، صص ۴۴۰-۴۴۱

۲. کرنو، ماری و دیگران، فرهنگ تطبیقی حقوق مؤلف و کپی‌رایت، ترجمه علیرضا محمدزاده وادقانی و پژمان محمدی، ج ۱، چاپ ۱،

تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۹۰، ص ۱۸۱

۳. Colston, op. cit, p. ۲۶۱

۴. Sundara Rajan, op. cit, p. 101

۵. برای مثال در پرونده Alan Clark v. Associated Newspapers در سال ۱۹۹۸ قاضی پرونده علاوه بر استناد به حق معنوی به‌موجب

ماده ۸۴ قانون ۱۹۸۸ به شبه‌جرم جازدن هم استناد کرد.

## نتیجه‌گیری:

بررسی سیر تاریخی حق معنوی در کپی‌رایت و همچنین شناخت عوامل اثرگذار بر رویکرد این نظام به حق معنوی، وضعیت این حق را در این سیستم مالکیت ادبی‌وهنری تا حد زیادی روشن می‌کند. برخلاف باور غالب، حق معنوی برای نخستین‌بار در رویه‌قضایی بریتانیا به‌عنوان کشور شاخص نظام کپی‌رایت به رسمیت شناخته‌شد. قاضی منسفیلد در سال ۱۷۶۹ در پرونده میلر علیه تایلر در فرآیند اثبات کپی‌رایت کامن‌لایی، مفهوم حق معنوی را بیان و مصادیق آن را معرفی کرد. این حق علی‌رغم شناسایی زودهنگام، در پرونده‌ی دونالدسون علیه بکت به‌تبع لغو کپی‌رایت کامن‌لایی و توجه به قانون «آن» رد شد و تا حدود دو قرن بحث آن در بریتانیا از سر گرفته نشد. سایر کشورهای پیرو کپی‌رایت هم که اغلب مستعمره بریتانیا بودند، از همین رویه تبعیت و سال‌ها از پذیرش حق معنوی در قوانین‌شان خودداری کردند.

نگرش کپی‌رایت به حق معنوی با نگرش نظام حق مؤلف تفاوت‌هایی دارد. عمده‌ترین علل اثرگذار را می‌توان در عوامل فرهنگی، تاریخی و سیاست‌گذاری جست‌وجو کرد. دلیل دیدگاه متفاوت بریتانیا به حق معنوی بیش‌از این‌که حقوقی باشد، فرهنگی است. در مورد عامل تاریخی می‌توان به رد کپی‌رایت کامن‌لایی و به‌تبع آن نادیده گرفتن حق معنوی در بریتانیا در حدود ۲۰۰ سال اشاره داشت. در ارتباط با بحث سیاست‌گذاری می‌توان گفت کشورها در مورد حق معنوی همانند سایر مباحث حقوق مالکیت فکری از سیاست واحدی پیروی می‌کنند و بسته به منافع و مبانی نظری، چگونگی حمایت از حق معنوی را مشخص می‌کنند. کشورهای پیرو نظام حق مؤلف در توجیه نظام مالکیت ادبی‌وهنری و حمایت از مؤلف، مبانی شخصیت را پذیرفته‌اند. یکی از نتایج اعتقاد به این مبنا، پذیرش حق معنوی است. پرواضح است که کشورهای غیرمعتقد به این مبنا، در توجیه حق معنوی در نظام حقوقی خود خواه‌ناخواه دچار مشکل می‌شوند. نظام کپی‌رایت در حمایت از مؤلف و اعطای حقوق مادی و معنوی به او، مبانی فایده‌گرایی را پذیرفته است. حق معنوی در این نظام با مبانی فایده‌گرایی تاحدودی قابل توجیه است. اگرچه نظریاتی مثل نظریه انگیزه و بحث منافع عمومی که در مبانی فایده‌گرایی حائز اهمیت هستند، در توجیه حق معنوی در نظام کپی‌رایت کاربرد دارند، اما به حدی نیستند که بتوان آن‌ها را مبانی حق معنوی دانست، لذا کشورهای پیرو کپی‌رایت قبل از تصویب حق معنوی در قوانین‌شان به مبانی و شیوه‌های جایگزین مثل رقابت غیرمنصفانه، جازدن، هتک شهرت و قرارداد به‌منظور توجیه حق معنوی متوسل شدند. هریک از این مبانی و شیوه‌ها نسبت به حق معنوی موضوعه مزایا و معایبی دارند و امروزه حتی با وجود پیش‌بینی حق معنوی در مقررات مالکیت ادبی‌وهنری در کشورهای کامن‌لایی و ضرورت توجه به این حق به‌دلیل الحاق این کشورها به کنوانسیون برن، به این شیوه‌ها برای حمایت از حق معنوی استناد می‌شود.

منابع و مآخذ:

الف - منابع فارسی:

کتاب‌ها:

۱. آذری، کیوان، (۱۳۶۰)، «حق معنوی پدیدآورنده اثر»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۲۲.
۲. اسچب، جان. ام، اسچب دوم، جان. ام، (۱۳۸۳)، گزیده متون حقوقی حقوق جزای آمریکا، ترجمه امیر سماواتی پیروز، چاپ اول، تهران، نگاه بینه.
۳. حبیبی مجنده، محمد، (۱۳۹۴)، حقوق مالکیت فکری و حقوق بشر؛ تعامل‌ها و تعارض‌ها، چاپ اول، قم، دانشگاه مفید.
۴. حکمت‌نیا، محمود، (۱۳۸۴)، «مروری بر حقوق اخلاقی مالکیت فکری و مبانی اعتبار آن»، مجله فقه و حقوق، شماره ۵، سال دوم.
۵. حکمت‌نیا، محمود، (۱۳۸۷)، مبانی مالکیت فکری، چاپ دوم، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۶. داوید، رنه، (۱۳۷۵)، نظام‌های بزرگ حقوقی معاصر، ترجمه: سید حسین صفایی، محمد آشوری و عزت‌اله عراقی، چاپ سوم، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
۷. دراهوس، پیتر، (۱۳۹۱)، فلسفه مالکیت فکری، ترجمه محمود حکمت‌نیا، مهدی معلی و علی تقی‌خانی، چاپ اول، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۸. زرکلام، ستار، (۱۳۸۸)، حقوق مالکیت ادبی و هنری، چاپ دوم، تهران، سمت.
۹. شیخی، مریم، (۱۳۹۴)، اصول حقوق مالکیت فکری، چاپ اول، تهران، میزان.
۱۰. کرزون، ال. ب و ریچارد، پ. اچ، (۱۳۹۰)، فرهنگ حقوق (انگلیسی - فارسی)، ترجمه قدیر گل‌کاریان، ناصر جوادخانی، هادی میرواحدی و محمدجواد، چاپ اول (ویرایش هفتم)، تهران، دانشیار.
۱۱. کرنو، ماری، دولامبورتوری، ایزابل، سیرنلی، پیر، والر، کاترین، (۱۳۹۰)، فرهنگ تطبیقی حقوق مؤلف و کپی‌رایت، ترجمه: علیرضا محمدزاده وادقانی و پژمان محمدی، جلد اول، چاپ اول، تهران، دانشگاه تهران.
۱۲. کلمبه، کلود، (۱۳۹۰)، اصول بنیادین حقوق مؤلف و حقوق مجاور در جهان، ترجمه علیرضا محمدزاده وادقانی، چاپ دوم، تهران، میزان.

مقالات:

۱۳. میرشمسی، محمدهادی، «همسویی رویکرد قانون‌گذاری ایران با مقررات بین‌المللی در حوزه حقوق مالکیت ادبی و هنری»، فصلنامه علمی - پژوهشی حقوق پزشکی، جلد ۱۰، ۱۳۹۵.

ب- منابع انگلیسی:

**Books**

۱۴. Aplin, Tanya & Davis, Jennifer, (2013), Intellectual Property Law, Second edition, New York ,Oxford University Press.
۱۵. Bently, Lionel & Sherman, Brad, (1760-1911) The making of modern intellectual property law: The British Experience, Cambridge University Press, 1999.
۱۶. Colston, Catherine, (1999) , Principles of Intellectual Property law, First edition, London, Cavendish Publishing.
۱۷. Cornish, William, (1999) Intellectual Property, patents, copyright, trademarks and allied rights, Fourth edition, London, Sweet and Maxwell.
۱۸. Garner, Bryan, (2004) Black's Law Dictionary, Eighth edition, USA, West a Thomson Business.
۱۹. Goldstein, Paul, (2001) International Copyright: Principles, law and Practice, First edition, New York, Oxford University Press.
۲۰. Sterling, J. A. L, (1999) World Copyright Law, First edition, London, Sweet and Maxwell,.
۲۱. Sundara Rajan, Mira T. (2011) Moral Rights: Principles, Practice and New Technology, First edition, New York, Oxford University Press.

**Articles**

۲۲. Dworkin, Gerald, (1994-1995) , The Moral Right of the Author, Moral Rights and the Common Law Countries, Columbia VLA Journal of Law & Arts, vol. 19.
۲۳. Ginsburg, Jane, (1990) , Moral rights in a common law system, Entertainment Law Review 121.
۲۴. McCartney, Sheila, (1990-1991) , Moral Rights Under United Kingdom's Copyright, Designs and Patents Act of 1988, Columbia VLA Journal of Law & Arts, vol. 15.
۲۵. Rigamonti, Cyrill, (2006) Deconstructing Moral Rights, Harvard International Law Journal, Vol. 47, Number 2.

**Lectures**

۲۶. Aplin, Tanya, Moral Rights, PDF file, 2013, available at: [Kclpure.kcl.ac.uk/portal.inn](http://Kclpure.kcl.ac.uk/portal.inn)